


Sociological investigation of the influence of social factors on the women's tendency to have one child

Esmat Heydari

Corresponding Author: PhD Student in Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.


esmatheydari@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Bagher Saroukhani

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding author).


b.saroukhani@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Afsaneh Edrisi

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Edrisiafsaneh@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000


Abstract

Along with various social, cultural and economic changes, the family has also undergone changes in both form and content. People's values and attitudes have been affected in various fields, including childbearing, so that today we are witnessing the spread of the one-child phenomenon in many families. For this purpose, this research has been conducted with the aim of investigating the impact of social factors (women's employment, age of marriage, individualism and women's education) in the Tehran metropolis with a tendency towards single-childhood among women. The current research is descriptive-survey type and in terms of methodology, it is a survey research which was done in 2020. The statistical population in this investigation includes all the married women in Tehran that 420 people were selected as samples. Sampling was done with the combination of disproportionate stratified and cluster sampling and the tool used to collect information and data in this research is the researcher-made questionnaire. The results show that the tendency to one-child has the significant positive correlation with the individualism, marriage age, education level and employment status. Finally, it can be said that today's women have achieved a new identity under the influence of various social factors, some of which have been mentioned, which is in conflict with high fertility.


Keywords: women's employment, women's education, women's individualism, women's tendency to have one child.

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش زنان به تک‌فرزندی^۱


عصمت حیدری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
esmatheydari@yahoo.com  0000-0000-0000-0000

باقر ساروخانی

استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
b.saroukhani@yahoo.com  0000-0000-0000-0000

افسانه ادریسی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Edrisiafsaneh@yahoo.com  0000-0000-0000-0000

چکیده

در کنار تغییر و تحول‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، خانواده نیز دستخوش تغییرهایی هم در شکل و هم در محتوا شده است. ارزش‌ها و نگرش‌های افراد در زمینه‌های مختلف از جمله فرزندآوری نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته، به گونه‌ای که امروزه شاهد گسترش پدیده تک‌فرزندی در بسیاری از خانواده‌ها هستیم. این پژوهش با هدف بررسی میزان تأثیر عوامل اجتماعی (اشتغال زنان، سن ازدواج، فردگرایی و تحصیلات زنان) در کلان‌شهر تهران بر گرایش به تک‌فرزندی در بین زنان انجام شده است. پژوهش حاضر تحقیقی پیمایشی است که در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان متأهل شهر تهران هستند که ۴۲۰ نفر به‌عنوان نمونه از بین آن‌ها انتخاب شدند. انتخاب نمونه با تلفیق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب صورت گرفته و ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته است. نتایج نشان می‌دهد که بین گرایش به تک‌فرزندی با میزان فردگرایی، سن ازدواج، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال رابطه مثبت معناداری وجود دارد. درنهایت می‌توان گفت زنان امروزی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی که به برخی از آنها اشاره شد به هویتی جدید دست یافته‌اند که با باروری زیاد در تقابل است.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، تحصیلات، فردگرایی، سن ازدواج، جوانی جمعیت.

شاپای الکترونیک: X-6508-2508 / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



 10.22034/SCS.2023.384914.1409

۱. این مقاله از پایان‌نامه دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی استخراج شده است.

مقدمه و بیان مسئله

سطح باروری در ایران در سال‌های اخیر روند کاهشی داشته است. الگوی سنی باروری در سال‌های اخیر از الگوی زودرس فرزندآوری به سمت الگوی دیررس فرزندآوری تغییر کرده است. آخرین نرخ باروری کلی برای ایران در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸) برابر با ۱/۶۱ درصد گزارش شده است که نسبت به سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) که برابر با ۱/۶۹ بوده است، کاهش یافته است (گزارش وضعیت نرخ باروری در ایران، ۱۳۹۸).

جامعه ایران در چند دهه گذشته تغییرات مختلف ارزشی و نگرشی در زمینه باروری، ازدواج و خانواده را تجربه کرده است. نسل جدید، فرزند را مصلح آسایش و پُرهزینه می‌داند و با توجه به اینکه والدین دیگر تحقق خواسته‌های خود را در فرزندان نمی‌یابند، تمایلی برای فرزندآوری بیشتر ندارند. پس از گذشت سال‌ها گرایش افراد به دو فرزندگی شکل گرفت و با تغییرهای عدیده صورت گرفته در سطح زندگی، در حال حاضر شاهد گسترش پدیده تک‌فرزندگی هستیم. گرایش به داشتن فرزند کمتر نشانه آن است که زنان به کشف‌های جدیدی دست یافته‌اند از جمله آنکه از محیط کوچک خانه بیرون آمده‌اند، تحصیل می‌کنند، در مناسبات اجتماعی شرکت کرده و در همه عرصه‌ها فعالیت کرده و البته قصد دارند برای فرزندان کمتر خود مادران بهتری باشند. در واقع زنان امروز هویت خود را در جاهای دیگری جز در خانه و مادر شدن جستجو می‌کنند. در میان زنان، نوعی تغییر نگرش نسبت به ازدواج و نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی به وجود آمده است که به نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته است (حسینی و بگی، ۱۳۹۳).

اکنون پدیده تک‌فرزندگی به شاخصه‌ای از زندگی پیشرفته تبدیل شده است و بسیاری از زوج‌های جوان از آن استقبال می‌کنند. این عامل باعث شده تا سن باروری افزایش یافته و تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن کاهش یابد (رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۶). کاهش سطح باروری باعث انتقال از خانواده گسترده به هسته‌ای شده و تمایل به فرزندآوری در والدین کاهش یافته است. این کاهش مداوم مولید در خانواده‌ها منجر به افزایش خانواده‌های تک‌فرزند شده است و علاقه والدین به تک‌فرزندگی در حال عمومیت یافتن است (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۸).

باروری به عنوان یکی از جریان‌های عمده جمعیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در

چگونگی توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع در سطح خرد و کلان دارد. تصمیم‌گیری در مورد تعداد و کم‌وکیف افزایش آن نیز به تصمیم میلیون‌ها نفر مربوط می‌شود. این جریان تصمیم‌گیری، رشد پایین جمعیت را به دنبال می‌آورد (ترابزاده، ۱۳۹۳). امروزه در ایران با کاهش تمایل به فرزندآوری روبه‌رو هستیم و میزان باروری فعلی، سطح لازم برای جایگزینی مناسب نسل‌ها را ندارد. کاهش نرخ باروری و به‌هم‌ریختگی در توازن سنی کشور، می‌تواند آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر کشور وارد کند (منتظری، ۱۳۹۵، ص. ۴).

برای دستیابی به متغیرهای مناسب طی مطالعات عمیقی که در ابتدای کار پیرامون موضوع صورت گرفت، این نتیجه حاصل شد که زندگی پیشرفته که بعد از انقلاب صنعتی شکل گرفت و کم‌کم به کشورهای دیگر تسری یافت به نحو بارزی فرزندآوری را تحت تأثیر قرار داد. برخی از مشخصه‌های جامعه پیشرفته عبارت‌اند از: اشتغال و تحصیلات زنان، فردگرایی، بالا رفتن سن ازدواج و جامعه‌پذیری جنسیتی که بعضی از آنها به‌عنوان متغیر برگزیده شدند.

با توجه به عمومیت یافتن تک‌فرزندی در بین خانواده‌های تهرانی، بر آنیم تا علل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به تک‌فرزندی را بررسی نماییم. با بررسی تأثیر سن ازدواج، اشتغال، تحصیلات و فردگرایی بر گرایش زنان تهرانی به تک‌فرزندی می‌توان راهکارهای مناسب برای بهبود و اصلاح آن ارائه نمود، چراکه جامعه نیاز به جمعیت فعال و پویایی دارد که نشاط و سلامت جامعه را تأمین کند و اتخاذ هر گونه برنامه و سیاستی در حوزه جمعیت و آسیب‌های جمعیتی بدون شناسایی عوامل پذیرش تک‌فرزندی در جامعه، بی‌ثمر و غیرقابل اجرا است. از این‌رو این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که ویژگی‌های جامعه پیشرفته در کلان‌شهر تهران به چه میزان بر گرایش به تک‌فرزندی در بین زنان تهرانی تأثیر دارد.

۲. اهداف و سؤال‌های پژوهش

۲-۱. اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی رابطه میان سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی،
- ۲- شناسایی رابطه میان فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی،
- ۳- مقایسه گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال،
- ۴- مقایسه گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف سطح تحصیلات.

۲-۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا میان سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا میان فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد؟
- ۴- آیا گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف سطح تحصیلات تفاوت معناداری دارد؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد.
- ۴- بین زنان با سطح تحصیلات مختلف از نظر گرایش به تک‌فرزندی تفاوت معناداری وجود دارد.

۴. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی پیرامون گرایش به تک‌فرزندی انجام شده است که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

فروتن و یعقوبی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای دریافتند که تک‌فرزندی الگوی مطلوب ایرانیان نیست و متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی است. ترکیان و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۰۰ نفر از شهروندان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز جامع خدمات سلامت شهری و روستایی شهرستان خمینی شهر استان اصفهان دریافتند گرایش والدین به تک‌فرزندی در رابطه با متغیرهای تأمین آینده تحصیلی، امنیت شغلی فرزندان و افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند جدید و نداشتن درآمد کافی است. خانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۲۱۰ نفر از مادران و ۲۱۰ نفر از فرزندان مجرد دریافتند که میزان تحصیلات، محل سکونت، اشتغال، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و نگرش منفی نسبت به فرزند با الگوی تک‌فرزندی رابطه مثبت و معناداری دارد. هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۰۰ نفر از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله متأهل ساکن شهر شیراز دریافتند که سن ازدواج، وضعیت اقتصادی، نگرش به فرزندآوری، رضایت زناشویی، اشتغال و تحصیلات با تک‌فرزندی رابطه معناداری دارد. حمیدی‌فر و همکاران

(۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه عمیق با ۱۳ نفر از افراد بی‌فرزند که حداقل ۵ سال بی‌فرزندی ارادی داشتند، دریافتند هزینه و مسئولیت فرزندآوری، محدودیت اجتماعی فرزند برای والدین، مخاطرات بارداری و اشتغال زنان، تمایل والدین به فرزندآوری را کاهش می‌دهد. رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه از ۲۰ نفر از زنان دارای یک فرزند بالای ۵ ساله شهر شه‌یار دریافتند تک‌فرزندی نتیجه تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، فقدان حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، مشکلات ترکیب کار و خانه‌داری و تغییرهای نگرشی نسبت به فرزندآوری است. نتایج پژوهش محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۴۲ نفر از زنان شاغل در سازمان‌های دولتی شهر کرمان نشان داد که نگرش منفی پاسخگویان نسبت به آینده، فردگرایی، منفعت‌طلبی، خردگرایی و رضایت‌مندی زناشویی به‌طور مستقیم و میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به‌طور غیرمستقیم ترجیح باروری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صادقی و سرایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۶۰ نفر از زنان ساکن منطقه ۱ و ۱۹ شهر تهران دریافتند عدم حمایت اجتماعی، اشتغال زنان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان بر فرزندآوری مؤثر است. نتایج پژوهش خلیج‌آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مصاحبه عمیق با ۱۴ نفر حاکی از آن است که تک‌فرزندی در رابطه با نگرش‌ها و احساسات و فضای غیرحمایتی جامعه و خانواده است. چمنی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۰۰ نفر از زنان متأهل تهرانی دریافتند تعداد کم فرزندان در ارتباط با میزان تحصیلات، گرایش به پیشرفت و منزلت اجتماعی و کمال‌طلبی، اشتغال و یا در انتظار شاغل شدن، فردگرایی، مدیریت بدن و آرمان‌گرایی و نگرش منفی به فرزند است. نتایج پژوهش ابراهیم‌پور و عبادی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۳۶۰ نفر از دختران دوره پیش‌دانشگاهی و مادرانشان در ساری نشان داد که برابری جنسیتی، میل به پیشرفت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و هنجارهای جامعه رفتار باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با استفاده از روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق از زنان شهر مشهد در یافته‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که میزان دینداری، فردگرایی و توجه به ارزش‌های خانوادگی با فرزندآوری ارتباط دارد. طاووسی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دریافتند بین جامعه‌پذیری جنسیتی، مشکلات فرزندپروری، مشارکت اجتماعی با تمایل به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش گلپایگانی

(۱۳۹۴) در مقاله‌ای با مصاحبه با ۱۵ نفر از زنان متأهل در شهر تهران حاکی از آن است که نگرش منفی به فرزند، عدم امنیت شغلی، آزادی فردی، استقلال طلبی و کاهش حمایت خانوادگی از عوامل مؤثر بر کاهش مولید و تک‌فرزندی است. قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۱۰ زن همسر دار ۱۵ الی ۵۰ ساله شهر تبریز دریافتند سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، نگرانی از آینده و عدم حمایت دولت و خانواده و اشتغال زنان با باروری در ارتباط است. عباسی شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۲۴ زن متأهل شاغل در بخش دولتی و خصوصی در سنین ۲۴ تا ۳۶ دریافتند نگرش منفی به فرزند، رضایت زناشویی، استقلال طلبی، حمایت والدین، تحصیلات و وضعیت اقتصادی و اجتماعی با گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه مثبت دارد.

فرانسیزکا و مکارینی (Francesca & Mencarini, 2018) در مقاله‌ای با مطالعه ۱۲ زوج استرالیایی که صاحب یک فرزند بودند دریافتند رضایت از زندگی زناشویی، تجربه فرزند اول، رضایت شغلی و وضعیت اقتصادی در گرایش زوجین به تک‌فرزندی مؤثر هستند. ریتا تستا و همکاران (Rita & et al., 2016) در پژوهش خود با نگاهی به مطالعات بین‌المللی در حوزه باروری دریافتند عدم حمایت والدین، اشتغال زنان و عدم امنیت شغلی و وضعیت اقتصادی و عدم توافق زوجین بر فرزندآوری بر گرایش والدین به تک‌فرزندی مؤثر است. مطابق تحقیق باسو و دسای (Basu & Desai, 2016)، مهم‌ترین عامل در گرایش افراد به تک‌فرزندی عدم هماهنگی بین رشد فرهنگی و رشد اقتصادی است. نتایج پژوهش سیلا و همکاران (Celia & et al., 2016) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۴۳۸ زوجین چینی که در سنین ۱۸ تا ۳۵ سال هستند، حاکی از آن است که اشتغال زنان، حفظ سلامت جسمی و روحی، پایداری کم زندگی زناشویی، افزایش سن ازدواج، نگرش منفی به فرزندآوری بر گرایش به تک‌فرزندی تأثیر دارد. کنته (Conteh, 2014) در پایان‌نامه‌ای با تأکید بر نظریه اقتصادی استرلین و نظریه اشاعه و با استفاده از اطلاعات جمعیتی و بهداشتی سرالئون در سال ۲۰۰۸ که از ۲۹۳۱ زن ۱۵ تا ۳۴ ساله نظرسنجی کرده بودند، دریافت که اندازه خانواده (تعداد فرزند) متأثر از درآمد خانواده، تحصیلات زن، فرهنگ و مذهب، عدم حمایت والدین و فشار همسر است. نتایج تحقیق پردهان و سخر (Pradhan & Sekher, 2014) نشان داد که شهرنشینی، تحصیلات، اشتغال و وضعیت اقتصادی با گرایش به تک‌فرزندی رابطه معناداری دارند. توکو (Toko, 2013) در مقاله‌ای با نظرسنجی از ۵۲۲ نفر از والدین دریافت نگرش والدین،

تحصیلات، درآمد و تجربه فردی بر فرزندآوری مؤثر است. در پژوهش‌های فوق، به عوامل گوناگونی که بر فرزندآوری تأثیر می‌گذارد، اشاره شده که شامل موارد زیر است:

شرایط اقتصادی و اجتماعی، تأمین آینده تحصیلی، امنیت شغلی فرزندان، افزایش مشکلات اقتصادی، نداشتن درآمد کافی، میزان تحصیلات، محل سکونت، نگرش منفی نسبت به فرزند، سن ازدواج و تأخیر در ازدواج، رضایت زناشویی، هزینه و مسئولیت فرزندآوری، محدودیت اجتماعی فرزند برای والدین، مخاطرات بارداری، اشتغال زنان، فقدان حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، مشکلات ترکیب کار و خانه‌داری، فردگرایی، منفعت‌طلبی، خردگرایی، میزان مطالعه، استفاده از رسانه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، گرایش به پیشرفت و منزلت اجتماعی و کمال‌طلبی، مدیریت بدن، آرمان‌گرایی، برابری جنسیتی، میل به پیشرفت، هنجارهای جامعه، میزان دینداری، توجه به ارزش‌های خانوادگی، جامعه‌پذیری جنسیتی، مشکلات فرزندپروری، مشارکت اجتماعی، عدم امنیت شغلی، آزادی فردی، استقلال‌طلبی، نگرانی از آینده و عدم حمایت دولت و خانواده، تجربه فرزند اول، رضایت شغلی، عدم هماهنگی بین رشد فرهنگی و رشد اقتصادی، حفظ سلامت جسمی و روحی، پایداری کم‌زندگی زناشویی، شهرنشینی، تجربه فردی. در اغلب پژوهش‌هایی که به آنها اشاره شد تأثیر متغیرهای مختلف بر فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفته‌اند و کمتر به موضوع تک‌فرزندی پرداخته شده است درحالی‌که تک‌فرزندی علاوه بر اینکه کمیت جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد بر کیفیت جمعیت نیز اثرگذار است چراکه افرادی که تنها فرزند خانواده هستند، به لحاظ نوع تربیت حاکم بر این خانواده‌ها، نمی‌توانند از حداکثر توانمندی‌های خود بهره بگیرند و درنهایت نمی‌توانند در پیشبرد جامعه به اندازه کافی مؤثر باشند. در واقع ما با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به تک‌فرزندی این خلأ تحقیقاتی را پر کرده‌ایم. همچنین در تحقیقات انجام شده در حوزه فرزندآوری، متغیر فردگرایی با رویکرد نوسازی اجتماعی به‌ندرت مورد بررسی قرار گرفته که در پژوهش حاضر مورد مذاقه قرار گرفته است.

۵. چهارچوب نظری پژوهش

گذار جمعیت‌شناختی، فرایند نوسازی باروری در جمعیت‌های انسانی است که طی دو مرحله کاهش مرگ‌ومیر و سپس کنترل باروری صورت می‌گیرد. بر اساس این نظریه

جوامع، نوسازی را از یک وضعیت پیشامدرن مرگومیر و باروری بالا به یک وضعیت پسامدرنی که در آن هر دو پایین هستند، تجربه می‌کنند. کاهش باروری نوعی تطابق عقلانی با تغییرات در شرایط اقتصادی است. کاهش باروری هنگامی رخ می‌دهد، که فرایندی از نوسازی در اثر صنعتی شدن، شهرنشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه اقتصادی اجتماعی آغاز می‌شود (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴، ص. ۶۷).

در رویکرد نوسازی استدلال می‌شود، که عوامل فرهنگی و نه ساختاری نحوه نگرش افراد را به فرزندان و فرزندآوری تغییر می‌دهد. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند، که کاهش باروری ناشی از اشاعه ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری است. نظریه اشاعه به تبیین چگونگی گسترش مفهوم تنظیم خانواده و کنترل موالید در جهان می‌پردازد. در کشورهایی که باروری کاهش یافته اعمالی که به محدودیت باروری منجر می‌شود، ابتدا توسط گروه‌هایی از جمعیت که موفق‌تر، ثروتمندتر و تحصیل کرده‌تر هستند، انجام می‌شود و به گروه‌های میانی با منزلت پایین‌تر و مناطق روستایی گسترش می‌یابد (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴).

در جریان نوسازی بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار کرد (محمودیان، ۱۳۸۳). گسترش و همگانی شدن تحصیلات یکی از رهاوردهای مهم نوسازی است، نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبودیافته زنان به خصوص مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است. به نظر طرفداران این دیدگاه، رشد فناوری که ناشی از افزایش روند صنعتی شدن است، باعث تغییرهای ساختاری اقتصاد می‌شود. اقتصاد جدید سبب ایجاد صنایع خدماتی و رشد مشاغل طبقه متوسط شده است که اشتغال زنان از ویژگی‌های آن است. اغلب تحقیقات نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین کار خارج از خانه و فرزندان کمتر آنان است (مشفق؛ مرادی ثانی و حسین خانی، ۱۳۹۵). در فرایند نوسازی، خانواده‌محوری، جای خود را به فردمحوری می‌دهد و هم‌زمان سازمان‌ها و نهادهای جدید، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را برعهده می‌گیرند؛ بنابراین مطابق با تغییر کارکرد خانواده شبکه اجتماعی جدید جایگزین شبکه خویشاوندی می‌شود و در نتیجه خانواده به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود. به این معنا که تصمیم‌های فردی زوجین جایگزین تصمیم‌های فامیل درباره باروری می‌شود، بنابراین نوسازی از این طریق باعث

افزایش سن ازدواج و کاهش باروری می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۱).

دگرگونی نقش‌های جنسیتی یکی دیگر از تحولات مهمی است، که رخ داده است. زنان امروزی دیگر به همان اندازه گذشته بر اساس زندگی خانوادگی و خدمت‌رسانی به مردان تعریف نمی‌شوند. با وجود آنکه برابری کامل بین زن و مرد رخ نداده است، اما تقسیم‌بندی سنتی پیرامون دو جنس تغییر کرده است، هر چند میزان و نحوه این تغییرات در جوامع پیشرفته غربی و جوامع در حال توسعه متفاوت است، فردی شدن، قلمرو جدیدی برای کنش و تصمیم‌گیری و فرصت‌های جدیدی پیش‌روی زنان بازمی‌کند. زنان تا اندازه زیادی دیگر به نقش‌های جنسیتی محدود نیستند و می‌توانند با شایستگی و تلاش، زندگی‌نامه خود را شکل دهند (هیر^۱، ۱۳۸۰).

به اعتقاد گیدنز شاخص‌های خانواده‌های امروزی در حال دگرگونی هستند، این دگرگونی‌ها در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده‌اند و به مرور در حال جهانی‌شدن هستند، این جهانی‌شدن تا اندازه زیادی اجتناب‌ناپذیر و مثبت است، اما در روی دیگر سکه با خود، مشکلات زیادی به همراه می‌آورد (گیدنز، ۱۴۰۰). ویلیام گود^۲ نظریه همگرایی را در مورد خانواده مطرح می‌کند، که بر اساس آن دگرگونی‌های نظام خویشاوندی نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیکی است، بدین ترتیب که همراه با دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان، دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز رخ می‌دهد و در نتیجه سازمان‌های سطوح خرد نظیر خانواده به‌طور اجباری خود را با دگرگونی‌های سطح کلان انطباق می‌دهند (گود، ۱۳۵۲). از نظر اولریش بک^۳، موقعیت اجتماعی و استقلال زنان احتمالاً یک عامل مداخله‌گر مهم بین نوسازی و باروری است، با افزایش درآمد زنان، میزان باروری کاهش می‌یابد و یا به‌عبارت‌دیگر به علت افزایش هزینه نگهداری از فرزند تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. باو همچنین معتقد بود که نوسازی، مشکلات و تناقضات نهادهای پیشرفته را چند برابر و تداوم آن‌ها را تهدید می‌کند. طبق این نظریه اگر دریافت افراد از آینده خود نامطمئن باشد ممکن است به‌خاطر اجتناب از خطر، تصمیم به کاهش باروری بگیرند (علیزاده سیوکی و دیگران، ۱۳۹۳).

از نظر مک‌دونالد^۴ دستیابی به برابری جنسیتی عامل اصلی کاهش مولید است.

1. Heer
2. Good, W.
3. Beck, U.
4. McDonald

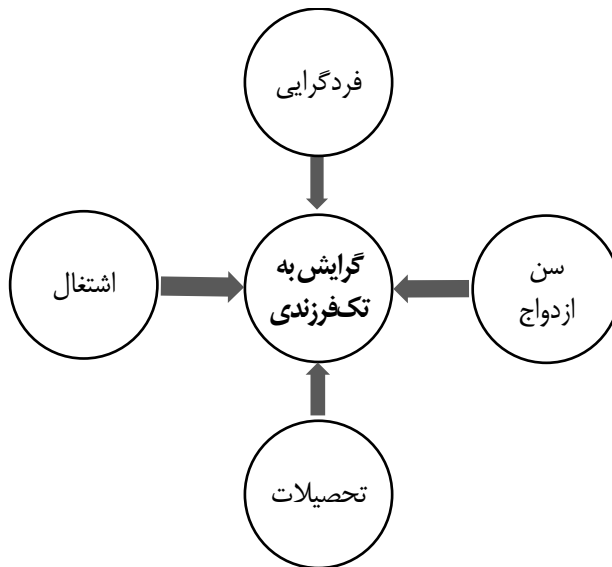
براین اساس تغییر نگاه به وضعیت زنان در جامعه چه از سوی مردان و چه از سوی زنان، شاید یکی از اساسی‌ترین محورهای کاهش مولید باشد؛ زیرا با ورود زنان به عرصه اجتماعی، جایگاهشان در جامعه تغییر می‌کند (به نقل از پیلتن و رحمانیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۷). زنان ترجیح می‌دهند به موقعیتی مساوی با مردان از جمله تحصیلات و اشتغال دست یابند و ازدواج و مادر شدن را به جهت از دست ندادن موقعیت اجتماعی خویش به تأخیر انداخته یا به تک‌فرزندی اکتفا می‌کنند (به نقل از: خلج‌آبادی و سرایی، ۱۳۹۵). چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه نوسازی اینکلس و اسمیت^۱ است. از نظر اینکلس و اسمیت نوسازی، فرایندی اجتماعی - روانی است که طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید نوین را کسب می‌کنند (به نقل از: از کیا، ۱۳۸۱). نوسازی یک نوع شیوه زندگی و فکری به‌وجود می‌آورد که سرنوشت‌گرایی و خانواده‌گرایی را تضعیف می‌کند و آینده‌نگری و رسیدن به یک زندگی مرفه‌تر را در انسان تقویت می‌کند (به نقل از: محمودیان و ذراهمکی، ۱۳۹۳، ص. ۴). نوگرایی به‌عنوان یک عامل بازدارنده، موجب کاهش فرزندآوری است؛ بنابراین هر قدر میزان نوگرایی والدین افزایش یابد، احتمال داشتن فرزند کمتر، بالا می‌رود. در جریان نوسازی میزان استفاده از فناوری، سطح تحصیلات زنان، حضور و مشارکت در جامعه و فعالیت مدنی، اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌یابد و موقعیت زنان بهبود یافته و با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش فرصت‌های شغلی زنان، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، میزان باروری کاهش می‌یابد (به نقل از: مشفق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۵). نوسازی از طریق تغییر ساختار خانواده که در نتیجه صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات، دسترسی به رسانه‌ها و امکانات پیشرفته رخ داده، موجب کاهش باروری زوجین می‌شود. اینکلس و اسمیت معتقدند افراد نوگرا به‌دلیل ویژگی‌هایی مانند عمل‌گرایی، پذیرش تجربه‌های جدید، پیشرفت‌گرایی، نگرش‌های مدنی و جهانی، تساوی‌طلبی، استقلال‌طلبی و ریسک‌پذیری تحت تأثیر اندیشه جدید و منفعت‌طلبانه هستند که می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به میزان باروری مؤثر باشد (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۴ به نقل از: وحیدنیا، ۱۳۹۵، ص. ۳۵).

در جامعه فعلی که ارزش‌های آن اعضای جامعه را به سمت کنش‌های عقلانی معطوف به هدف فردی پیش می‌برد، منفعت، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار افراد

1. Inkeles, A. & Smith, D. H.

است. پدیده باروری در جامعه جدید به کنشی یک‌طرفه مبدل شده است که در آن فرزندان، کارکردهای پیشین خود را از دست داده‌اند. اگر در گذشته انتظار می‌رفت فرزندان خدماتی نظیر دستگیری از والدین را انجام دهند، امروزه بنابر مقتضیات زمان و مکان نمی‌توان انتظار داشت فرزندان عصای دست روزگار پیری باشند (به نقل از: محمدی و صیفوری، ۱۳۹۵، ص. ۵۶).

۶. مدل نظری پژوهش



شکل (۱): مدل نظر پژوهش

۷. روش پژوهش

۷-۱. شرح روش تحقیق، جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد اثبات‌گرایی و روش کمی انجام گرفته است. این پژوهش از نوع پیمایشی است. از نظر کاربرد این پژوهش بنیادی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل زنان متأهل شهر تهران است که در سال ۱۳۹۹ در تهران سکونت داشته‌اند. باتوجه به تارنمای مرکز آمار ایران، آخرین سرشماری مربوط به سال ۱۳۹۵ است که تعداد زنان دارای همسر در نقاط شهری تهران برابر است با

۱،۶۳۴،۲۹۶ که حجم جامعه آماری را تشکیل می‌دهد. با جای‌گذاری اعداد فوق در فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد که برای بالا بردن ضریب اطمینان ۴۲۰ نفر مورد پرسش قرار گرفتند. از آنجا که حجم جامعه آماری خیلی گسترده است و اطلاعاتی از صفات جامعه آماری در دسترس نیست، از روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا شهر تهران را بر اساس نواحی جغرافیایی به سه حوزه شمال، جنوب و مرکز تقسیم نموده و از هر حوزه به صورت تصادفی، یک منطقه (شهرداری) انتخاب شد. از حوزه شمال تهران، منطقه ۳، از حوزه جنوب تهران، منطقه ۱۵ و از حوزه مرکز تهران، منطقه ۱۲ در نظر گرفته شد.

۲-۷. بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد

ابزار مورد نیاز در این پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته است که پس از بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد به کار گرفته شد. لاوشه^۱ یک روش پُرکاربرد را برای سنجش اعتبار محتوا ابداع کرد. این روش میزان موافقت میان ارزیابان یا داوران در خصوص «مناسب یا اساسی بودن» یک گویه خاص را اندازه‌گیری می‌کند (نقل از: میرزایی، ۱۳۸۹). مطابق این روش می‌توان گفت که گویه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش به علت توافق نظر داوران مبنی بر مناسب بودن، دارای اعتبار محتوا است. برای تعیین قابلیت اعتماد از روش آلفای کرونباخ استفاده شد؛ بدین ترتیب که با انجام یک پژوهش مقدماتی با حجم نمونه‌ای معادل ۳۰ نفر از زنان دارای متأهل ساکن شهر تهران که به صورت تصادفی انتخاب شدند، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شد و طبق جدول زیر همگی بالای ۰،۷۰ به دست آمد که در علوم انسانی این میزان قابل قبول است.

جدول (۱): بررسی آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد سؤال‌ها	میزان آلفای کرونباخ
گرایش به تک‌فرزندی	۱۸	۰،۸۲
فردگرایی	۱۶	۰،۷۲

۳-۷. تعریف متغیرها

گرایش به تک‌فرزندی: گرایش به تک‌فرزندی، قصد و تمایل زوجین برای داشتن تنها

یک فرزند در طول دوران ازدواج که بنابر توافق قبلی دو طرف است، که در سه بُعد: ۱- نگرش به تعداد فرزندان و ۲- تمایل به فرزندآوری و ۳- قصد به فرزندآوری بر اساس جدول زیر در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای است.

جدول (۲): ابعاد محوری عناصر مفهومی گرایش به تک‌فرزندی

ابعاد	گویه‌ها
رتبه تعداد فرزندان	خانواده‌ها برای تعیین تعداد فرزندان خود بر اساس وضعیت اقتصادی تصمیم می‌گیرند.
	هر چه تعداد فرزندان یک خانواده بیشتر باشد، فرزندان بهتر تربیت می‌شوند.
	فرزندان زیاد باعث افزایش قدرت و نفوذ خانواده در اجتماع می‌شود.
	فرزندان به خواهر و برادر احتیاج دارند.
	فرزندان به محکم شدن پیوند ازدواج زن و شوهر کمک می‌کنند.
	داشتن فرزندان زیاد موجب سلب آرامش و آسایش پدر و مادر می‌شوند.
	مراقبت از فرزندان در بعضی از مواقع برای والدین خسته‌کننده و کسالت‌آور است.
	هر چه تعداد فرزندان خانواده کمتر باشد، موفقیت تحصیلی بیشتری دارند.
	افزایش تعداد فرزندان باعث می‌شود زنان نتوانند به راحتی به مشاغل بیرون از خانه بپردازند.
	داشتن فرزند زیاد باعث می‌شود به همسر توجه کمتری شود.
تک‌فرزندی	با در نظر گرفتن تمام شرایط تک‌فرزندی را ترجیح می‌دهیم.
	دلمان می‌خواست یک فرزند دیگر هم داشتیم.
	همسرم دلش می‌خواست یک فرزند دیگر هم داشتیم.
	تمایلی به داشتن فرزند جدید نداریم چون فکر می‌کنیم نمی‌توانیم از او نگهداری و تربیت کنیم.
فردگرایی	قصد به دنیا آوردن فرزند دیگری را داریم.
	برنامه‌ریزی برای آوردن فرزند دیگر را کرده‌ایم.
	فشار و توصیه دیگران نظر ما در فرزندآوری را تغییر نمی‌دهد.
	اگر فرزندم پسر باشد حاضر نیستم فرزند دیگری بیاورم.

منبع: (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵ و برگرفته از: شمس‌الدینی، ۱۳۹۴)

فردگرایی: در این پژوهش، فردگرایی بر اساس دیدگاه تریاندیس^۱ با دو رویکرد مثبت (فردگرایی افقی^۲) و منفی (فردگرایی عمودی^۳) مورد سنجش قرار گرفته است.

1. Triandis H.
2. horizontal individualism
3. vertical individualism

است. باتوجه به تعریف نظری، شاخص‌های فردگرایی افقی عبارت‌اند از: خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، اتکاء به نفس (متکی بودن به خود) و انتخاب اهداف شخصی که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند و فردگرایی عمودی (منفی) بر اساس ویژگی‌های جاه‌طلبی، خودمحوری و رقابت‌جویی بر اساس جدول زیر در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای سنجیده شده است.

جدول (۳): ابعاد محوری عناصر مفهومی متغیر فردگرایی

ابعاد	خرده ابعاد	شاخص‌ها
رتبه‌ای خودباوری	خوداتکایی	برای شروع کارهایم نیازی نیست دیگران به من تذکر بدهند و خودم آغازکننده هستم.
		نسبتاً به خودم وابسته‌ام تا به دیگران.
	خودباوری	فکر می‌کنم لیاقت چیزهایی که به‌دست آورده‌ام را دارم.
		آدم بسیار منظم و برنامه‌مندی هستم.
رتبه‌ای خودمحوری	فاصله عاطفی	اهداف مشخصی در زندگی دارم و سعی می‌کنم به آنها دست پیدا کنم.
		در کارهایم به ارزیابی دیگران توجهی ندارم.
		بدون دیگران هم می‌توانم به اهدافم برسیم.
	خودمحوری	دوستی‌های من با دیگران سطحی است و عمقی ندارد.
		در کار ابتدا خودم را در نظر می‌گیرم و نظر خودم مهم است.
		دوست ندارم برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم کاری انجام دهم.
	جاه‌طلبی	مهم تلاش و سعی من است و نظر دیگران چندان اهمیتی ندارد.
		هر کس باید برای آینده‌اش خودش تصمیم بگیرد.
		برای رسیدن به موفقیت به هر قیمت تلاش می‌کنم.
		هنگام تصمیم‌های مهم خودم را در نظر می‌گیرم.
رقابت	بدون رقابت ممکن نیست بتوان جامعه خوبی داشت.	
	ترجیح می‌دهم با دیگران همکاری کنم تا با آنها به رقابت بپردازم.	

منبع: (ن.ک: خواجه نوری؛ پرنیان و جعفری، ۱۳۹۲)

وضعیت اشتغال زنان در سطح سنجش اسمی با سه گزینه خانه‌دار، شاغل و دانشجو، سن ازدواج در سطح سنجش Scale با یک سؤال باز و سطح تحصیلات در سطح سنجش رتبه‌ای با پنج گزینه دیپلم و پایین‌تر، فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا مورد پرسش قرار گرفت.

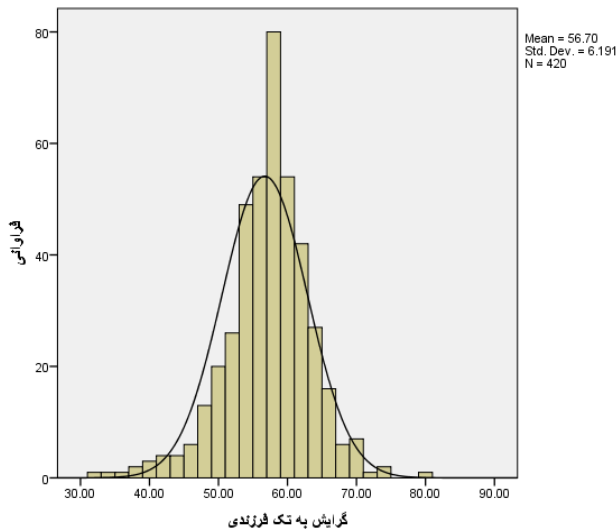
۸. یافته‌های پژوهش

۸-۱. مروری بر یافته‌های توصیفی

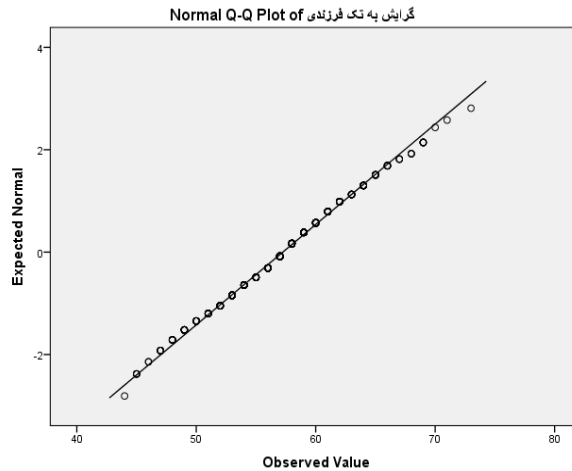
میانگین سن پاسخگویان ۳۶ سال، میانه سن پاسخگویان ۳۸ سال و نما ۲۹ سال است. میانگین سن ازدواج پاسخگویان، ۲۳ سال، میانه سن ازدواج پاسخگویان ۲۴ سال و نما برابر ۲۵ است. بیشتر پاسخگویان دو فرزند (۳۴ درصد) و یا یک فرزند (۳۳ درصد) دارند. تحصیلات بیشتر پاسخگویان (۳۷ درصد) کارشناسی و پس از آن فوق دیپلم (۳۲ درصد) است. گرایش به تک‌فرزندی میان اکثر پاسخگویان (۸۵ درصد) پاسخگویان متوسط است و فردگرایی اکثر پاسخگویان (۷۸ درصد) متوسط است.

۸-۲. بررسی به‌هنجار بودن متغیر وابسته

لازم به ذکر است به‌هنجار بودن متغیر گرایش به تک‌فرزندی با استفاده از آزمون‌های کولموگورف - سمیرنف، نمودار Q-Q، نمودار Box Plot، نمودار هیستوگرام و مقایسه انواع میانگین‌ها مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه نشان داد که این متغیر دارای توزیع به‌هنجار است؛ به‌عنوان نمونه، نمودار هیستوگرام و نمودار Q-Q آورده شده است:



نمودار (۱): نمودار هیستوگرام



نمودار (۲): نمودار Q.Q

۸-۳. آزمون فرضیه‌ها

بررسی فرضیه ۱- بین سن ازدواج و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن ازدواج و گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی

سن ازدواج	گرایش به تک‌فرزندی		
.294**	1	R	گرایش به تک‌فرزندی
.000		Sig	
417	420	N	سن ازدواج
1	.294**	R	
	.000	Sig	
417	417	N	

گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با سن ازدواج همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,29$ شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر با بالا رفتن سن ازدواج، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و بالعکس. بالا رفتن سن ازدواج فرصت داشتن فرزندان بیشتر را از افراد سلب

می‌کند و زوجین به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از داشتن بیش از یک فرزند اجتناب می‌ورزند.

بررسی فرضیه ۲- بین فردگرایی و گرایش زنان به تک‌فرزندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۵): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین فردگرایی و گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی

فردگرایی	گرایش به تک‌فرزندی		
.267**	1	R	گرایش به تک‌فرزندی
.000		Sig	
420	420	N	
1	.267**	R	فردگرایی
	.000	Sig	
420	420	N	

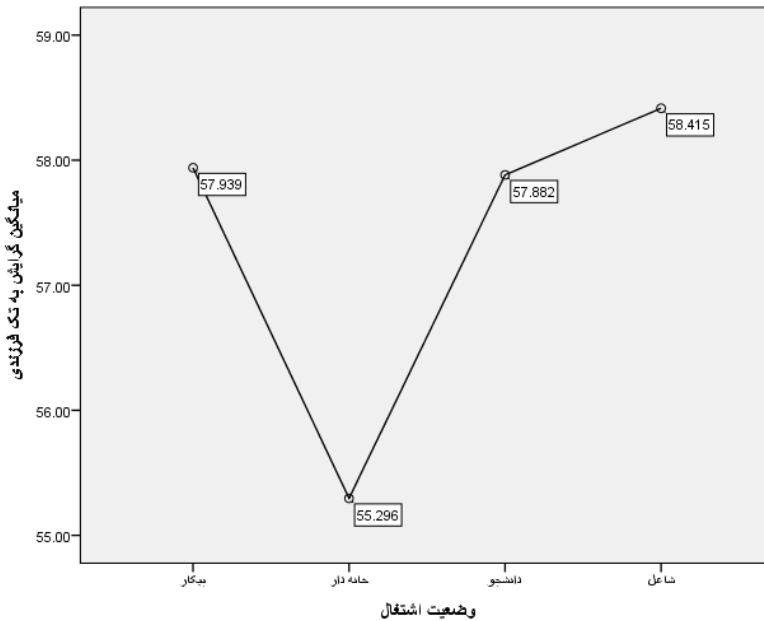
گرایش به تک‌فرزندی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با فردگرایی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,26$ شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر با بالا رفتن فردگرایی، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و بالعکس. افزایش فردگرایی با افزایش مولفه‌های خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، اتکا به نفس، جاه‌طلبی، خودمحوری و رقابت‌جویی می‌تواند همراه باشد. در واقع با افزایش فردگرایی، توجه فرد به خود و نیازهایش افزایش می‌یابد و داشتن فرزند بیشتر فرد را از توجه به خویشان بازمی‌دارد، به این ترتیب گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد.

بررسی فرضیه ۳- گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد.

جدول (۶): آزمون F (تحلیل واریانس) گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی بین گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال

Sig	F	میانگین مجذورات	Df	مجموع مجذورات	
.000	8.143	298.252	3	894.757	بین گروهی
		36.625	414	15162.862	درون گروهی
			417	16057.620	مجموع

از آنجایی که متغیر گرایش به تک‌فرزندی در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد و محقق قصد مقایسه میانگین این متغیر را در بین چهار گروه دارد، در نتیجه از آزمون F مستقل استفاده می‌نماییم. نتایج آزمون ANOVA در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری Sig=0.00 و میزان $F=8.14$ حاکی از آن است که میزان گرایش به تک‌فرزندی در بین گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال تفاوت معناداری دارد؛ بنابراین با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه H_0 رد می‌گردد.



نمودار (۳): نمودار خطی مقایسه میانگین گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال

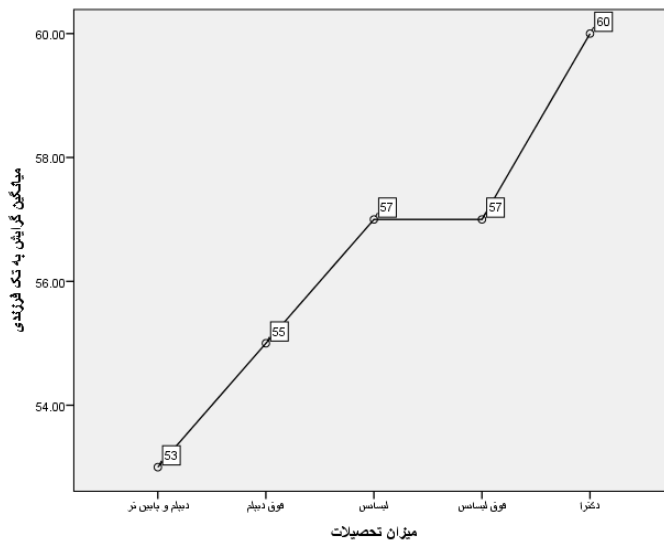
با توجه به نتایج نمودار فوق، مشاهده می‌شود که میانگین گرایش به تک‌فرزندی میان افراد شاغل بیشترین میزان و بعد از آن به ترتیب، بی‌کار و دانشجو می‌باشد و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندی میان افراد خانه‌دار وجود دارد. افراد خانه‌دار فرصت بیشتری برای فرزندداری در اختیار دارند؛ بنابراین گرایش به تک‌فرزندی در میان افراد خانه‌دار نسبت به افراد شاغل که مشغول کار هستند و دانشجویان که مشغول تحصیل هستند، کمتر است.

بررسی فرضیه ۴- بین زنان با سطح تحصیلات مختلف از نظر گرایش به تک‌فرزندی تفاوت معناداری دارد.

جدول (۷): آزمون F (تحلیل واریانس) گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی بین گروه‌های مختلف سطح تحصیلات

Sig	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات	
.010	6.587	234.099	4	936.397	بین گروهی
		35.542	412	14643.099	درون گروهی
			416	15579.496	مجموع

از آنجایی که متغیر گرایش به تک‌فرزندی در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد و محقق قصد مقایسه میانگین این متغیر را در بین پنج گروه دارد، در نتیجه از آزمون F مستقل استفاده می‌نماییم. نتایج آزمون ANOVA در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری Sig=0.01 و میزان F=6.58 حاکی از آن است که میزان گرایش به تک‌فرزندی در بین گروه‌های مختلف سطح تحصیلات تفاوت معناداری دارد؛ بنابراین با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه H_0 رد می‌شود.



نمودار (۴): نمودار خطی مقایسه میانگین گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف سطح تحصیلات

با توجه به نتایج نمودار فوق مشاهده می‌شود که میانگین گرایش به تک‌فرزندی

میان افراد با تحصیلات دکترا بیشترین میزان و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندی میان افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر وجود دارد.

نتیجه‌گیری

پدیده تک‌فرزندی در جوامع در حال توسعه موضوعی نوظهور است و خلأ تحقیقاتی در این حوزه چشمگیر است که در بخش پیشینه به برخی از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده اشاره شد؛ بنابراین ضرورت دارد با انجام تحقیقات گسترده ابعاد مختلف آن بررسی شود و این پژوهش در این راستا صورت گرفته است. پدیده تک‌فرزندی در دو سطح قابل مطالعه است؛ سطح کلان معطوف به برنامه‌ریزی‌های دولت‌هاست و سطح خرد معطوف به نگرش‌ها و به تبع آن کنش‌هاست که مدنظر این تحقیق بوده است. یافته‌های پژوهشی سطح خرد می‌توانند دستاوردهای مهمی را در برنامه‌ریزی‌های کلان فراهم آورند. در این پژوهش هم باروری تحقق یافته بررسی شده است که مربوط به متأهلینی است که دارای یک یا چند فرزند هستند و هم باروری مطلوب مورد مطالعه قرار گرفته است که شامل متأهلینی است که هنوز فرزند ندارند.

نتایج نشان می‌دهد با بالا رفتن سن ازدواج، گرایش به تک‌فرزندی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. نورویل و همکاران^۱ (۲۰۱۶) دریافتند نرخ باروری تحت تأثیر سن ازدواج و به تعویق انداختن ازدواج است. در مطالعه دیگری در کشور فرانسه نیز بر همین موضوع تأکید شده است. می‌توان گفت در همه تحقیقاتی که در زمینه باروری صورت گرفته است عامل سن به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر باروری مطرح شده است. تأخیر در ازدواج به‌دلیل طولانی بودن دوره تحصیلات و اشتغال و سخت‌گیری در انتخاب همسر و عوامل دیگر، فرصت فرزندآوری را کاهش می‌دهد.

نتایج فرضیه دوم حاکی از آن است که با بالا رفتن فردگرایی، گرایش به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد و بالعکس. از نظر بک و بک - گرنشایم^۲ (۲۰۰۲) خوش‌گذرانی و خودخواهی نسل جوان و فعالیت زنان برای آزادی، عامل اصلی کاهش باروری است. امروزه مفاهیمی چون فردگرایی و خودشکوفایی، آزادی انتخاب، پیشرفت فردی و سبک زندگی، متغیرهایی هستند که رفتار باروری را تبیین می‌کنند. زوجین تنها به این دلیل دارای بچه می‌شوند یا نمی‌شوند که نیازهای

1. Norville & et al.

2. Beck & Beck-Gernsheim

خصوصی و شخصی خود را برآورده سازند. تمایل به فردگرایی و ارتقاء سطح زندگی و داشتن رفاه بیشتر، با داشتن فرزند زیاد سازگاری ندارد. در این حالت زنان و مادران احساس می‌کنند که با حضور فرزند آرزوها و آمال شخصی‌شان به خطر می‌افتد. بنابراین گرایش به فرزندآوری در آنان کاهش می‌یابد (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲). یکی از مشخصات جامعه امروزی، فردگرایی است که مؤلفه‌های زیادی دارد از جمله توجه به حقوق فردی، آسایش و رفاه، پیشرفت شغلی. در این میان فرزندآوری به‌عنوان عاملی که در بطن خود از خودگذشتگی و نادیده گرفتن آسایش فردی را به همراه دارد به ناچار محکوم به عقب‌نشینی است و این‌گونه است که زنان ترجیح می‌دهند دیرتر ازدواج کنند، دیرتر فرزندآوری داشته باشند و به حداقل فرزند اکتفا کنند. به‌این‌ترتیب با افزایش فردگرایی، تمایل به باروری کمتر می‌شود و تمایل به تک‌فرزندی افزایش می‌یابد. محمدی و صیفوری (۱۳۹۵) نیز به این نتیجه رسیدند که بین فردگرایی و میزان تک‌فرزندی رابطه مستقیم برقرار است. چمنی و همکاران (۱۳۹۴) نیز رابطه فوق را تأیید کرده‌اند که این‌که رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) نیز بر آن صحه گذاشته‌اند.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه سوم میانگین گرایش به تک‌فرزندی میان افراد شاغل بیشترین میزان و بعد از آن به ترتیب، بیکار و دانشجو است و کمترین میزان گرایش به تک‌فرزندی میان افراد خانه‌دار وجود دارد. افراد خانه‌دار فرصت بیشتری برای فرزندآوری در اختیار دارند. قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خویش به این نتیجه رسیدند که خانه‌دار بودن زنان در بالا بردن سطح باروری زنان مؤثر است. فرانسیزکا و مکارینی (۲۰۱۸) دریافتند حفظ شغل و موقعیت اجتماعی و شغلی ایجاب می‌کند، والدین به یک فرزند اکتفا کنند. سیلا و همکاران (۲۰۱۶) هم اعلام کردند؛ اشتغال تمام‌وقت و بودن فرصت شغلی برای زنان بی‌فرزند باعث شده که تمایل به فرزندآوری در بین زوجین کم باشد. نورویل و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند میزان باروری در ارتباط با اشتغال زنان است.

نتایج فرضیه چهارم نشان داد که گرایش به تک‌فرزندی در گروه‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری دارد. به این معنا که با بالا رفتن سطح تحصیلات گرایش به تک‌فرزندی هم افزایش می‌یابد. کما این‌که خانی و همکاران (۱۳۹۷) نیز به این نتیجه رسیده بودند. همچنین هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) رابطه عوامل فوق را تأیید کرده‌اند. در فرهنگ ما نیز توجه به علم‌آموزی مورد توجه قرار گرفته است، اما می‌توان همزمان با تشکیل خانواده و باروری نیز به این مهم پرداخت. البته لازمه آن،

کار فرهنگی است که محتاج زمان طولانی است.

بر همین اساس موفقیت پایدار سیاست‌گذاری‌های جمعیتی مستلزم توجه کافی به مناطق مختلف کشور و منوط به مطالعات دقیق علمی ناظر بر رویکردهای جمعیتی ساکنین مناطق مختلف در سرتاسر ایران است. در کشور ما در مقاطعی از تاریخ، سیاست دولتمردان بر فزونی جمعیت و در مقاطعی بر کنترل و کاهش آن بوده است. به نظر می‌رسد این سیاست‌ها نیازمند توجه به زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و گرنه مسئله‌ساز می‌شود. در شرایط فعلی که اهتمام دولتمردان بر افزایش رشد جمعیت است، نباید از نیازهای جمعیتی که اضافه می‌شوند غافل شوند.

باتوجه به اینکه تأخیر در ازدواج عامل مهمی در فرزندآوری است توصیه می‌شود همه امکانات برای تسهیل ازدواج به کار گرفته شود؛ مثلاً با بالا بردن میزان وام ازدواج و تسریع در آن؛ امتیاز قائل شدن برای افراد متأهل به شکل‌های مختلف و ایجاد نگرش مثبت به ازدواج در جوانان از راه‌های مختلف می‌توان شرایط ازدواج آسان را فراهم آورد.

مسئولان وظیفه دارند شرایط ازدواج به موقع را فراهم نمایند. البته علاوه بر عوامل اقتصادی به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی نیز در تأخیر در ازدواج بسیار اهمیت دارد و باید تمهیدهای لازم در این زمینه اندیشیده شود. از جمله عوامل فرهنگی که در بالا رفتن سن ازدواج نقش به‌سزایی دارد، آیین و رسوم و آداب سخت‌گیرانه‌ای است که همچنان در فرهنگ ما رواج دارد؛ به‌عنوان نمونه مراسم بازدید از جهیزیه که بسیاری از خانواده‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. تعدد مراسم نیز می‌تواند دست و پاگیر باشد، از جمله مراسم حنابندان و پاتختی. همچنین شیوه برگزاری برخی مراسم همراه با دشواری‌هایی است؛ به‌عنوان نمونه اصرار بر حضور تمامی بزرگان فامیل در مراسم بله‌برون که به علت اعمال نظر برخی از آنان در فرایند ازدواج، گاهی منجر به برهم خوردن مراسم می‌شود. عوامل فرهنگی ذکر شده و عواملی از این قبیل با ارائه آموزش‌هایی برای خانواده‌ها قابل اصلاح است. این آموزش‌ها از طریق رسانه‌های مختلف و شبکه‌های اجتماعی که مخاطبان فراوانی دارد، نیز قابل اجرا می‌باشد.

باتوجه به اینکه اشتغال زنان مانع مهمی در فرزندآوری محسوب می‌شود پیشنهاد می‌شود همه امکانات برای رفاه حال زنان شاغل به کار گرفته شود؛ مثلاً دورکاری، کار نیمه‌وقت با حقوق کامل، مرخصی زایمان طولانی‌تر، دادن کمک هزینه مهدکودک یا ایجاد مهدکودک رایگان، پوشش بیمه خدمات درمانی برای مادر و

کودک. از آنجاکه فردگرایی سهم بالایی در کاهش فرزندآوری دارد توصیه می‌شود کار فرهنگی در این زمینه صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، مردان هم در جامعه آماری در نظر گرفته شوند. چون امروزه مردان و زنان در مورد داشتن یا نداشتن فرزند و همچنین تعداد فرزندان با هم تصمیم می‌گیرند.

فهرست منابع

- ابراهیم‌پور، محسن و عبادی، صفیه (۱۳۹۴). تفاوت‌ها و ترجیحات نسلی در فرزندآوری (نظرها و نگرش‌ها) مطالعه مورد: شهرسازی. *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال هفتم، (۱۰)، ۷۸-۵۵.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کلمه.
- پیلتن، فخرالسادات و رحمانیان، محمد (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل در شهر جهرم. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم، (۲)، ۱۲۱-۱۳۴.
- تراب‌زاده، پگاه (۱۳۹۳). *تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به باوری با استفاده از روش نظریه میدانی*. همایش ملی چالش‌های خانواده ایرانی، ۱-۱۶.
- ترکیان و لاشانی، سمانه؛ صاحب جانی، زهرا؛ زمانی علویچه، فرشته؛ حیدری، زهرا و شوشتری مقدم، زهرا (۱۳۹۸). فرزندآوری: عوامل سوق‌دهنده و بازدارنده. *نشریه پایش*، تابستان، سال هجدهم، (۳)، ۲۴۱-۲۴۹.
- چمنی، سولماز؛ شکرپیگی، عالیه و مشفق، محمود (۱۳۹۴). مطالعه تعیین‌کننده جامعه‌شناختی فرزندآوری (موردکاوی: زنان متأهل شهر تهران). *فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، پاییز، سال پنجم، (۲۰)، ۱۳۷-۱۶۵.
- حاجیان، بهجت و مکتوبیان، مریم (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان از فرزندآوری. *فصلنامه جمعیت*، تابستان، (۲۲)، ۳۶-۱۱.
- حسینی، حاتم و بگی، بلال (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان. *ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، بهار، سال هجدهم، (۱)، ۴۳-۳۵.
- حمیدی‌فر، مهدی؛ کنعانی، محمدمامین و عبادالهی چندانق، حمید (۱۳۹۵). جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*

- ایران، تابستان، سال یازدهم، (۲۱)، ۱۰۱-۱۳۵.
- خانی، سعید؛ محمدزاده، حسین و عباسی شوازی، محمد جلال (۱۳۹۷). مقایسه میان نسلی ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج. *مسائل اجتماعی ایران، زمستان، سال نهم، (۲)*، ۴۹-۷۶.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، بهار، سال هجدهم، (۷۱)*، ۳۰-۵۸.
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی؛ حسینی، زینب و شیخی، محمدتقی (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان شهر شهریار از تک‌فرزندی با تأکید بر چرایی و پیامدهای آن. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، زمستان، سال یازدهم، (۲۲)*، ۴۳-۸۲.
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و ریاحی، محمدناصر (۱۳۹۶). جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری. *مطالعات راهبردی زنان، سال نوزدهم، (۷۵)*، ۷-۳۱.
- رضوی‌زاده، ندا؛ غفاریان، الهه و اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴). زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری. *راهبرد فرهنگ، پاییز، سال هفتم، (۳۱)*، ۷۳-۹۸.
- شمس‌الدینی، حسین (۱۳۹۴). بررسی نگرش به فرزندآوری با تأکید بر مؤلفه‌های سبک زندگی در بین زنان مراجعه‌کننده به شبکه‌های بهداشت شهر تهران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- صادقی، حنا و سرایی، حسن (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، تابستان، سال پنجم، (۲۷)*، ۱-۳۲.
- طاووسی، محمود؛ مطلق، محمداسماعیل؛ حائری مهریزی، علی‌اصغر؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی (۱۳۹۴). فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی. *نشریه پایش، پاییز، سال چهارم، (۵)*، ۵۷۹-۶۰۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال و خواجه صالحی، زهره (۱۳۹۲). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری در شهر سیرجان. *نشریه زن در توسعه و سیاست، بهار، سال یازدهم، (۱)*، ۴۵-۶۴.
- علیزاده سیوکی، هادی؛ کشاورز، محسن؛ جعفری، احمد؛ رضانی، حسن و صیادی، غلامعلی (۱۳۹۳). تأثیر برنامه آموزشی بر آگاهی و عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تربت حیدریه. *مجله علوم پزشکی تربت حیدریه، تابستان، سال یکم، (۱)*، ۴۴-۵۵.
- عنایت، حلیمه و پرنیان، لیلا (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش

- به فرزندآوری. *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، تابستان، سال چهارم، (۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- فروتن، یعقوب و بیژنی، حمیدرضا (۱۳۹۹). تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، تابستان، سال پانزدهم، (۲۹)، ۲۶۵-۲۹۱.
- قاسمی اردهابی، علی؛ راد، فیروز و ثوابی، حمیده (۱۳۹۳). بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین. *مطالعات راهبردی زنان*، سال شانزدهم، (۶۴).
- قاسمی اردهابی، علی؛ منافی آذر، رضا و محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان متأهل شهرستان اهر. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، پاییز، سال بیست و یکم، (۸۱)، ۱۴۳-۱۶۶.
- گززارش وضعیت نـرخ بـاروری در ایـران (۱۳۹۸):
<https://nih.tums.ac.ir/UpFiles/Documents/613776ed-7680-4095-9471-0c20eaf23c13.pdf>
- گلیپایگانی، زهرا (۱۳۹۴). *بررسی عوامل مؤثر بر تغییر نگرش خانواده‌های ایرانی در خصوص کم‌فرزندآوری با نگاه به سیاست‌های جمعیتی*. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی - روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ۱-۱۵.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*. ترجمه ویدا ناصحی، تهران: نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محمدی، نعیم و صیفوری، بتول (۱۳۹۵). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان*. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، پاییز، سال یازدهم، (۳۶)، ۷-۴۹.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). *سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان*. *نامه علوم اجتماعی*، تابستان، سال هفتم، (۲۴)، ۲۷-۵۳.
- محمودیان، حسین و ذراهمکی، احمد (۱۳۹۳). *عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به روابط دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج*. *نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۳(۲۳)، ۱-۲۵.
- مرتضوی، مهناز؛ حسینیان، سیمین؛ رسولی، رؤیا و زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۸). *تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین*. *خانواده‌پژوهی*، تابستان، سال پانزدهم، (۵۸)، ۲۵۱-۲۶۶.
- مشفق، محمود؛ مرادی ثانی، قدرت و حسین‌خانی، سحر (۱۳۹۵). *تحلیلی بر رابطه*

اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور. *فصلنامه جمعیت، تابستان، سال بیست و سوم، (۹۶)، ۱-۲۴.*

منتظری، علی (۱۳۹۵). *بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران.* تهران: مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی.

میرزایی، خلیل (۱۳۸۹). *طرح و پایان‌نامه‌نویسی.* انتشارات جامعه‌شناسان.

وحیدنیا، نرگس (۱۳۹۵). *نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی.* سلامت اجتماعی، ۳(۴)، ۲۹۹-۳۰۶.

هاشمی‌نیا، فاطمه؛ رجبی، ماهرخ و یاراحمدی، علی (۱۳۹۶). *بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان در بین زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر شیراز.* *جامعه‌شناسی کاربردی، پاییز، سال بیست و هشتم، (۳)، ۶۱-۷۸.*

هیر، دیوید (۱۳۸۰). *جامعه و جمعیت، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جمعیت.* ترجمه یعقوب فروتن، تهران: دانشگاه مازندران.

- Basu, A. M. & Desai, S. (2016). Hopes, dreams and anxieties: India's one-child families. *Asian population study*, 12(1), 4-27.
- Beck, U & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequence*. London: sage.
- Celia, CH. & Chan, C.Timothy, CH. (2016). Perceived importance of childbearing and attitudes toward assisted reproductive technology among Chinese lesbians in Hong Kong: implications for psychological well-being. *Public health information*, 106(5), 1221-1229.
- Conteh, Kh. (2014). *Socio-economic and Cultural Factors Influencing Desired Family Size in Sierra Leone*. Master Thesis College of Bowling Green.
- Francesca, L. & Mencarini, M. (2018). Parents' subjective well-being after their first child and declining fertility expectations. *Demographic Research*, 9(39), 285-314.
- Norville, Claire. Gomez Rocio., L. Brown, Robert (2016). Some causes of fertility rates movements. *merican Enterprise Institute Washington Times*, 7(13), 1-29.
- Pradhan, I. & Sekher, T.V. (2014). Single-Child Families in India: Levels, Trends and Determinations. *Asian Population Studies*, 10(2), 163-175.
- Rita, Testa, M. & Cavalli, L. Rosina, A. (2016). The Decision of Whether to Have a Child: Does Couple Disagreement Matter. *Vienna Institute of Demography Austrian Academy of Sciences*, 12(14), 1-27.
- Toko, W. (2013). A study of parents' beliefs and attitudes toward childbearing and education. *Maternal and Child Health Journal*, 11(2), 189-98.

References

- Afrini, Fateme; Akbari, Nahid & Montazeri, Ali (2018). Relationship between social support and intention to have children in women living in Tehran, *Payesh Journal*, 17(3), 328-315. (In Persian)
- Agha, Homa (1986). Study of fertility in Iran and its relationship with indicators of economic and social status, Shiraz: Demographic Center of Shiraz University. (In Persian)
- Aghaari Heer, Tawakul; Farrokhi Nekaristan, Mina; Latifi Majra, Sayeda Sediqa (2016). Having children as a risk (qualitative study of low birth rates in Tabriz city), *Council Quarterly Women's Strategic Studies*, 19(73), 7-33. (In Persian)
- Arjamand Siahposh, Ishaq; Broumand Nahid (2016). Investigating the social and cultural factors affecting the tendency to have children in Andimeshk city with an emphasis on lifestyle (a case study of married women under 35 years old), *SOCIOLOGICAL STUDIES OF YOUTH*, 6 (21), 9-24. (In Persian)
- Azkiya, Mustafa & Ghafari, Gholamreza (2009). *Sociology of development*, Tehran: Keyhan. (In Persian)
- Bakhtiari Far, Ayatollah (2017). Sociological study of the effect of economic and social class on the value system of women in Isfahan city, *Shushtar Azad University Social Sciences*, Year 11, Autumn 2016, (3), 177-206. (In Persian)
- Barber, William J. (1991). *The course of economic ideas: a comparative study of classical and neoclassical schools and Marx and Keynes*, translated by Habibullah Teymuri, Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization. (In Persian)
- Ebrahimpour, Mohsen; Ebadi, Safia (2015). Generational Differences and Preferences in Childbearing in the City of Sari (Opinions and Attitudes), *Journal of Population Association of Iran*, 8(16), 55-78. (In Persian)
- Inglehart, Ronald (1994). *Cultural transformation in advanced industrial society*, Translator: Maryam Vetter, Tehran: Kavir. (In Persian)
- Islamzadeh, Ali (2018). *Psychology of an only child*, Tehran: Academic. (In Persian)
- Janinibellotti, Elena (2002). If you have a daughter, *Sociology and psychology of character formation in girls*, Translator: Mohammad Jaafar Powendeh, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Oktaei, Rosita (2005). Fertility decline in Iran and social, economic and cultural factors affecting it, with emphasis on the role of family planning between 1986-1996 (case study: Isfahan city), Master's thesis, *Sociology*, Isfahan university. (In Persian)
- Parvinian, Fariba; Rostamalizadeh, Wali Allah & Habibi, Reza (2018). The effect of today's lifestyle of women on the rate of childbearing; A case study of Qazvin city, *Women and Society (Sociology of Women)*, Year 9, (4), 39-72. (In Persian)
- Pejhan, Ali & Afshari, Parwaneh (2018). Attitude of disabled women

- towards having children in Tehran, the quarterly journal of Social Work Research, (11), April 2016, 152-184. (In Persian)
- Piltan, Fakhrosadat & Rahmadian Mohammad (2015). Investigating Factors Affecting the Tendency toward Childbearing among Married Men and Women (Case of Study: Men and Women aged 25 to 45 years Old in Jahrom), Journal of Iranian Social Development Studies (JISDS), 7(2), 121-134. (In Persian)
- Tarabzadeh, Pegah (2014). Sociological analysis of factors affecting fertility attitude using field theory method, National Conference on Iranian Family Challenges. (In Persian)
- Turkian Velashani, Saheb Jan; Zamani Alvijah, Fereshteh; Heydari & Shushtri Moghaddam, Zahra (2019). Having children: driving and inhibiting factors, Journal of Payesh, 18(3), 241-249.